

جشم‌اندازی برای آزادی «عبدالله

اوچالان» و رفع حبس او نمی‌بیند،

چراکه معتقد است رویکرد به‌زعم او

«تنگ‌نظرانه» ناسیونالیستی افراطی

در ترکیه همچنان بر گفتمان سیاسی

آن کشور تسلط دارد و همین موضوع

مهم فشاری روی دولت ترکیه است

تا نتواند مذاکرات صلح با کردها را

به‌پیش برد. «باشدار پوشواسماعیل»،

نویسنده و تحلیلگر مسائل عراق، سوریه

و ترکیه، که با رسانه‌ها و مراکز تحقیقاتی

مختلف بین‌المللی ازجمله نشریه

«الشرق الأوسط»، «واشنگتن کُرمانیا»،

«روداو»، «صباح»، «بنیاد جیمزتانو»

و همین‌طور شبکه جهانی بی‌بی‌سی و

روزنامه «دیلی‌استار» همکاری داشته

است. در گفت‌وگو با «شرق» از مسائل

مرتبط با کردهای ترکیه، سوریه و عراق

و نقش آفرینی اخیر آنان و تأثیرشان بر

معادلات منطقه‌ای از سال‌های آینده

گفت.

«سیاست دولت ترکیه در قبال

کردها و داعش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا امکان

تغییر این سیاست وجود دارد؟

«رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه و

حزب «عدالت و توسعه»، به‌طور آشکارا نشان داده‌اند که

هیچ‌گونه تفاوتی میان پک‌ک و داعش قائل نیستند. آنان

به هر دو جریان به دیده سازمان‌های تروریستی می‌نگرند.

با این حال، چنین برجستگی نه‌تنها بر یک حزب تأثیرگذار

خواهد بود، بلکه در مجموع به‌طور غیرمنصفانه‌ای کل

یک گروه جمعیتی را نیز دربر خواهد گرفت. کردهای

سوریه‌هی حشق دارند از خود دفاع کنند و حزب «اتحاد

دموکراتیک سوریه» نیز مؤثرترین نیرو در مبارزه علیه

داعش بوده است. اگر حزب اتحاد دموکراتیک سوریه

نباشد چه نیرویی از کردها حفاظت خواهد کرد؟ من

گمان نمی‌کنم دولت ترکیه حزب اتحاد دموکراتیک

سوریه را با آغوش باز بپذیرد. حزب اتحاد دموکراتیک

سوریه مرتب اقدامات تروریستی و کشتار شده در

حالی که داعش چنین اقداماتی را انجام داده است.

همچنین چگونه می‌توان گفت همه کردها به پک‌ک

وابستگی دارند. چندین حزب دیگر در سوریه وجود دارند

که علاوه‌بر حزب اتحاد دموکراتیک، مشغول به فعالیت

هستند.باین‌حال، سیاست ترکیه در قبال کردهای سوریه

بسیار تنگ‌انگانه‌است.

ترس از پیوند میان حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و

پک‌ک عمیقاً ریشه در اضطراب ملی‌گرایانه ترکی دارد.

نمود عینی این هراس را می‌توان در دهه‌ها سیاست

سرکوبگرانه علیه کردها در ترکیه مشاهده کرد که به‌نفع

هیچ طرفی نبوده، بلکه فقط منجر به بروز خیزش‌های

اجتماعی و افزایش تلفات انسانی شده است.

«اردوغان اخیراً گفته است دولت ترکیه حاضر است

هر هزینه‌ای را برای جلوگیری از ایجاد دولتی کردی در

شمال سوریه بپردازد؟

اردوغان در سال ۲۰۱۲ میلادی به چنین خط‌قرمزهای

مشابهی اشاره کرده بود. این تهدیدات نمی‌تواند مانع

اعلام دولت مستقل و خودمختار از سوی حزب اتحاد

دموکراتیک سوریه در سه کانتون شود و همچنین

نمی‌تواند از پیش‌روی کردها جلوگیری کند. ترکیه از

سال‌های ۲۰۱۱–۲۰۱۲ میلادی از افزایش قدرت کردهای

سوریه نگران بوده اما در ماه‌های اخیر، آنان به بازیگران

کلیدی در جنگ علیه داعش تبدیل شده‌اند و درواقع، تنها

گروه مورد اعتماد آمریکا در این مبارزه هستند.

مسئله کردی در ترکیه با سرنوشت کردها در سوریه

کره خورده است. ارتباطات عمیقی میان ساکنان مناطق

مرزی وجود دارد. این موضوع را می‌توان در اعتراض

عمومی به انفعال ترکیه در قبال مسئله کوبانی مشاهده

کرد. به‌همین‌دلیل مبارزه کردها در ترکیه به داخل خاک

سوریه کشیده شد.

«در این دور از انتخابات ترکیه برخی از ترک‌ها نیز

علاوه بر کردها، به حزب «دموکراتیک خلق‌ها» رأی

دادند. به‌نظرآن حزب دموکراتیک خلق‌ها چگونه

توانست رأی‌دهندگان ترک را متقاعد کند؟ آیا این

موضوع را باید نشان‌های از افول ملی‌گرایی ترکی در

ترکیه دانست؟

حزب دموکراتیک خلق‌ها در جذب شمار قابل رشدی

از مردمی که از حزب عدالت و توسعه بریده بودند، موفق

عمل کرده است. بسیاری از لیبرال‌های ترک این ظرفیت

را در حزب دموکراتیک‌خلق‌ها دیدند که از آن حزب

به‌عنوان فرصتی برای مقابله با تلاش‌های اردوغان به

منظور برقراری یک نظام ریاستی قوی استفاده کنند و از

انحصار قدرت در دست حزب عدالت و توسعه جلوگیری

کنند و در همان حال، صدایی در عرصه سیاسی داشته

باشند. حزب دموکراتیک خلق‌ها پیروزی خود را مدیون

جذب آرای اقلیتی از جامعه ترکیه و اکثریت کردهایی

است که در انتخابات گذشته به حزب عدالت و توسعه

رأی داده بودند.

اگرچه حزب دموکراتیک خلق‌ها رأی قابل‌توجه ۱۳

درصدی را از آن خود کرده است، اما نمی‌توان گفت که

این موضوع سبب کاهش احساسات ملی‌گرایانه در ترکیه

شده است. احزاب ملی‌گرای ترک همچنان به بقای خود

ادامه می‌دهند. ملی‌گرایان همچنان خاری در روند صلح

دولت ترکیه با کردها هستند و همچنان بر فضای سیاسی

ترکیه تسلط هستند.

«باشدار پوشواسماعیل»، تحلیلگر سیاسی مسائل خاورمیانه، در گفت‌وگو با «شرق»:

# کردها تنها بازیگر مورد اعتماد آمریکا در نبرد با داعش هستند

**نوژن اعتضادالسلطنه**



واقعیت آن است که برای نخستین‌بار کردها در قالب

یک حزب، به پارلمان راه یافته‌اند. این‌ نقطه عطفی تاریخی برای کردهاست و پلی را میان شرق مدت‌ها ناراضی ترکیه با غرب آن کشور برقرار خواهد کرد. ۱۳

درصد از رأی رقم‌ناچیزی نیست که بتوان آن را در پارلمان نادیده گرفت و کردها تأثیر مستقیمی بر امور حکومتی و سیاسی خواهند گذاشت.

**▲ چه ارتباطی میان پیروزی حزب دموکراتیک خلق‌ها در ترکیه و فعالیت‌های پک‌ک در منطقه وجود دارد؟**

همان‌گونه‌که پیش‌تر ذکر شد، ظهور حزب دموکراتیک خلق‌ها و حضورشان در پارلمان می‌تواند سبب شود تا پلتفرمی ملی و حقوقی برای مذاکرات صلح تنظیم شود. اوچالان و اکثر اعضای پک‌ک آمادگی خود را برای

تشکیل کنگرهای حزبی به‌منظور بیان رسمی کنارگذاشتن سلاح‌ها نشان داده‌اند. موضع حزب دموکراتیک خلق‌ها در عرصه سیاسی می‌تواند به ایجاد این تضمین کمک

کند که عمل به بسته اصلاحی‌تری آغاز شود، چراکه اکثر ترک‌ها مایل به پایان‌دادن به روند خون‌ریزی هستند و دولت ترکیه باید برای تحقق این رویداد بزرگ تاریخی

سرمایه‌گذاری کند.

پک‌ک به‌طور طبیعی پیروزی حزب دموکراتیک خلق‌ها در انتخابات را گامی مثبت می‌دانند اما این

به آن معنا نیست که پک‌ک حاضر به زمین‌گذاشتن سلاح‌هایش به این‌زودی‌ها خواهد شد. رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها به‌طور آشکار اعلام کرده قدرت واقعی در پایان‌دادن به مبارزه

مسلمانه و بر زمین‌گذاشتن سلاح‌ها در امرالی است و دست آنان نیست. تردیدی وجود ندارد که پیروزی حزب دموکراتیک خلق‌ها فرصتی منحصربه‌فرد برای ادامه روند مذاکرات صلح است و نباید به

هدر رود. حزب دموکراتیک خلق‌ها بدون تردید توانسته نمایندگانی را

به پارلمان بفرستد.باین‌حال، در صورتی که پک‌ک از نتیجه رضی نباشد نفوذ حزب دموکراتیک خلق‌ها نیز کاهش خواهد یافت.

**▲ تأثیر پیروزی حزب دموکراتیک خلق‌ها بر احساسات استقلال‌طلبانه در ترکیه چگونه خواهد بود؟ آیا به‌نظرآن این موضوع باعث تقویت این احساسات خواهد شد یا تضعیف آن؟**

این بستگی به گام‌های بعدی دارد. پس از شکستن آستانه انتخاباتی توسط حزب دموکراتیک خلق‌ها، کردها موقعیت منحصربه‌فردی در سیاست ترکیه پیدا کرده‌اند

به‌ویژه آنکه حزب دموکراتیک خلق‌ها اکنون بسیاری از رأی‌دهندگان ترک را در صفوف خود قرار داده است.

**▲ برخی گزارش‌ها نشان می‌دهند حزب اتحاد دموکراتیک سوریه با دولت «بشار اسد» در سوریه علیه داعش همکاری داشته است. آیا فکر نمی‌کنید حمایت آمریکا از کردهای سوریه، در تناقض با خواسته آمریکا برای سرنگون کردن دولت سوریه است؟**

چنین اتهاماتی درباره همکاری میان حزب اتحاد دموکراتیک سوریه و دولت اسد از زمانی در سطح گسترده مطرح شد که حزب اتحاد دموکراتیک کنترل نواحی

کردنشین سوریه را در دست گرفت. با این‌حال، رابطه میان اتحاد دموکراتیک سوریه و دولت اسد بیش از آنکه یک پیمان استراتژیک واقعی باشد، مبتنی بر درکی متقابل

است. در زمانی که نیروهای ارتش سوریه دامنه حضور خود را گسترش داده‌اند اسد با هوشمندی می‌دانست بازکردن جبهه‌ای پرهزینه برای کردها مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود. درگیری‌هایی میان دو طرف به‌وجود آمده

است اما هرگز در سطح سیستماتیک نبوده‌اند. هم‌زمان، کردهای سوریه خواستار کنترل بر سرزمین‌هایشان هستند

و این برای آنان اولویت دارد.

آمریکا خواستار تغییر و تحول سیاسی در سوریه است اما تمرکز بیشتر آن کشور اکنون بر داعش است و نه دولت سوریه. هدف حزب اتحاد دموکراتیک سوریه، گذار سیاسی در سوریه و تصویب یک قانون اساسی تازه‌کنترت‌گرا و جامع است که حقوق کردها برای

خودمختاری را تضمین کند و متکی بر نظر اسد نباشد.

## جهان

به‌عنوان پیروزی‌ای تاریخی می‌نگرند

و از چنین نقطه‌عطفی استقبال

می‌کنند. آنان مشتوق روند صلح در

ترکیه هستند.

باززانی از نظر فردی، با جدیت

بسیار برای وحدت تمام طرفین در

سوریه با پیشنهاد تقسیم قدرت

در اربیل با احزاب کردی سوریه،

تلاش کرده است. او نمی‌خواهد

شاهد هرگونه سلطه حزب اتحاد

دموکراتیک سوریه و سایر احزاب

سیاسی بر هواداران حزب دموکرات

کردستان عراق باشد.

خط قرمز برای حزب دموکرات

کردستان عراق هرگونه مداخله در

مسائل داخلی اقلیم کردستان از سوی

حزب اتحادیه دموکراتیک سوریه و

به‌طور خاص از سوی پک‌ک است.

تا آنجاکه به حزب دموکرات کردستان

مربوط می‌شود، آن حزب نگرانی‌ای

درباره نفوذ منطقه‌ای ندارد.

 «**عده‌ای معتقدند پیروزی اخیر**
**کردها در عراق علیه داعش بدون**
**کمک نظامی هوایی آمریکایی‌ها ناممکن بود. نظر شما در**
**این‌باره چیست؟**

حمایت آمریکایی‌ها از کردها مسئله‌ای کلیدی بود

اما تنها بعد خدیل در موفقیت نیروهای کرد نبوده است.

کردها همچنین واشنگتن را به رویکرد جانب‌دارانه در

قبال بغداد و حمایت از دولت مرکزی متهم کرده‌اند.

آمریکا با وسواس فراوان درصدد است تا وحدت عراق

حفظ شده و از هرگونه اقدامی که ممکن است موجب

جدایی کردستان از عراق شود، خودداری کند. درواقع،

واشنگتن بیش از آنکه جانب کردها را داشته باشد از

دیدگاه تنگ‌نظرانه‌ای دارند. دشوار بتوان موقعیت

مدیریت‌اش و اوچالان را با یکدیگر مقایسه کرد یکی در

پارلمان است و دیگری در زندانی جادفاقده از جامعه.

آنان هر دو رهبران برجسته کردها هستند اما باین‌حال،

چشم‌اندازها و پلتفرم‌های متفاوتی از یکدیگر دارند.

**▲ کانون‌های روزوا تا چه اندازه می‌توانند الگویی**

**برای کردها در دیگر مناطق خاورمیانه باشند؟ آیا این کانون‌ها تجربه‌ای موفق بوده‌اند؟**

کانون‌های روزوا و تاسیس یک منطقه کردی در سوریه، نقطه عطف بی‌سابقه‌ای برای کردهای سوریه است، چراکه بیش از آن، صدها هزار کرد حتی دارای تابعیت و حقوق شهروندی نبودند و اجازه اداره امور

در مناطق و کسب خودمختاری را نداشتند درنتیجه استراتژی جدید در منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است.

باین‌حال، کانون‌های خودمختار هنوز در مراحل ابتدایی

خود به‌سمر می‌برند و به‌سختی محاصره شده‌اند. آنچه این کانون‌ها را منحصربه‌فرد می‌کند آن است که

در سه سرزمین جغرافیایی جداگانه واقع شده‌اند آن هم تا همین اواخر که کردها کنترل «تسل ایض» را در اختیار گرفتند.

کانون‌ها راهی طولانی در پیش دارند. اکنون کردها پس از سال‌ها مبارزه، احساس می‌کنند پس از دهه‌ها سرکوب و تلاش دولت‌ها برای «عربیزاسیون» سرزمین‌های کردی به ساختاری مستقل

دست یافته‌اند. باین‌حال، واقعیت آن است که هنوز صد اقلیم خودمختار کردستان به‌عنوان مدلی از خودمختاری حکومتی و نماد برآورده‌شدن مجموعه انتظارات از سوی اکثریت کردها در نظر گرفته می‌شود و هنوز کانون‌های روزوا این جایگاه را از آن خود نکرده‌اند. پیش‌بینی من آن است که با توجه به تحولات جاری، خودمختاری محلی

به‌سرعت به حداقل انتظار کردها در سرتاسر خاورمیانه تبدیل خواهد شد.

کانون‌ها راهی طولانی در پیش دارند. اکنون کردها پس از سال‌ها مبارزه، احساس می‌کنند پس از دهه‌ها سرکوب و تلاش دولت‌ها برای «عربیزاسیون» سرزمین‌های کردی به ساختاری مستقل

دست یافته‌اند. باین‌حال، واقعیت آن است که هنوز صد اقلیم خودمختار کردستان به‌عنوان مدلی از خودمختاری حکومتی و نماد برآورده‌شدن مجموعه انتظارات از سوی اکثریت کردها در نظر گرفته می‌شود و هنوز کانون‌های روزوا این جایگاه را از آن خود نکرده‌اند. پیش‌بینی من آن است که با توجه به تحولات جاری، خودمختاری محلی

به‌سرعت به حداقل انتظار کردها در سرتاسر خاورمیانه تبدیل خواهد شد.

کانون‌ها راهی طولانی در پیش دارند. اکنون کردها پس از سال‌ها مبارزه، احساس می‌کنند پس از دهه‌ها سرکوب و تلاش دولت‌ها برای «عربیزاسیون» سرزمین‌های کردی به ساختاری مستقل

دست یافته‌اند. باین‌حال، واقعیت آن است که هنوز صد اقلیم خودمختار کردستان به‌عنوان مدلی از خودمختاری حکومتی و نماد برآورده‌شدن مجموعه انتظارات از سوی اکثریت کردها در نظر گرفته می‌شود و هنوز کانون‌های روزوا این جایگاه را از آن خود نکرده‌اند. پیش‌بینی من آن است که با توجه به تحولات جاری، خودمختاری محلی

به‌سرعت به حداقل انتظار کردها در سرتاسر خاورمیانه تبدیل خواهد شد.

کانون‌ها راهی طولانی در پیش دارند. اکنون کردها پس از سال‌ها مبارزه، احساس می‌کنند پس از دهه‌ها سرکوب و تلاش دولت‌ها برای «عربیزاسیون» سرزمین‌های کردی به ساختاری مستقل

دست یافته‌اند. باین‌حال، واقعیت آن است که هنوز صد اقلیم خودمختار کردستان به‌عنوان مدلی از خودمختاری حکومتی و نماد برآورده‌شدن مجموعه انتظارات از سوی اکثریت کردها در نظر گرفته می‌شود و هنوز کانون‌های روزوا این جایگاه را از آن خود نکرده‌اند. پیش‌بینی من آن است که با توجه به تحولات جاری، خودمختاری محلی

به‌سرعت به حداقل انتظار کردها در سرتاسر خاورمیانه تبدیل خواهد شد.

**▲ به‌نظرآن دولت سوریه چه واکنشی در قبال خودمختاری کردهای سوریه از خود نشان خواهد داد؟ آیا می‌توان منتظر اعطای امتیاز خودمختاری از سوی دمشق به کردها در آرازای همراهی آنان در مبارزه برای سرنگون کردن دولت سوریه (داعش) بود؟**

اسد به حمایت کردها نیاز دارد. حداقل اگر از حمایت سیاسی یا نظامی واقعی از سوی کردها هم بهره‌مند نشود، دست‌کم خواستار کشایش جبهه جدیدی برای

رویارویی با کردها نیست. نیروهای اسد درحال حاضر به این نتیجه رسیده‌اند که اعطای خودمختاری به کردها گزینه‌ای راحت‌تر از یک خودکنشی سیاسی و نظامی یعنی

کشایش جبهه‌ای تازه علیه آنهاست. اسد درحال حاضر در حال سودبردن از بی‌اعتمادی موجود میان کردها با

ارتش آزادی‌بخش سوریه و ائتلاف ملی سوریه، دو بازیوری اصلی اپوزیسیون آن کشور، است.

**▲ آیا افزایش قدرت حزب دموکراتیک خلق‌ها در ترکیه می‌تواند خطری برای محور قدرت بارزانی-طالبانی و احزاب سنتی در اقلیم خودمختار کردستان عراق باشد؟**

به گمانم پیروزی اخیر حزب دموکراتیک خلق‌ها یا تأثیرگذاری حزب دموکراتیک خلق‌ها در سوریه، تهدیدی علیه اقلیم خودمختار کردستان نخواهد بود. حزب دموکرات کردستان عراق و شخص رئیس اقلیم یعنی

«مسعود بارزانی» به پیروزی حزب دموکراتیک خلق‌ها

## ادامه از صفحه ۹

## فتح جهان یا همان جنگ علیه تروریسم

با تمام این اوصاف، السدن در این

کتاب پس از واسازی استدلال آکامین

برای کار خود، در نهایت شباهت‌های

این جنبشی را رد می‌کند. السدن از این

مفاهیم استفاده می‌کند، چون تنش

میان «حاکمیت قانون» و «قدرت

حاکم» را رو می‌آورد و نشان می‌دهد

گروه‌هایی مثل القاعده که نه قانون

دارند و نه حاکمیت، قادر به ایجاد

وضعیت استثنائی نیستند؛ به عبارت

دیگر نمی‌توانند برای آنچه ندارند،

وضعیت استثنائی داشته باشند. اما

فصل سوم کتاب به بررسی جنبه‌ای

از آموزه‌های راهبردی دولت بوش

و اساسا سیاست خارجی آمریکا

می‌پردازد که معطوف به دولت‌هایی

است که به ادعای دولت آمریکا، پناه

تروریست‌هاست. الدن نشان می‌دهد

اتقاقا بسیاری از همین دولت‌های

ضعیف و ناموفقی که آمریکا بر

آنها دست گذاشته، ارتباط میان

قلمرو و حق حاکمیت را شکسته

کرده‌اند. به این دلیل که بسیاری از

این دولت‌ها متمایل به خشونت‌های

درونی در مرزهای خود هستند، چون

مرزهای قلمروی آنها پیش از دوره

استعمارزدایی، از سوی قدرت‌های

امپریالیستی تثبیت شده است. ازاین‌رو،

بسیاری از دولت‌های ضعیف و ناموفق

محصول جانبی پروژه استعماری

اروپا هستند و اصرار سیاست کنونی

آمریکا بر حفظ تمامیت ارضی‌اش به

هر قیمتی – در جنگ علیه تروریسم–

این مسئله را تشدید کرده است. این

مضمون در فصل‌های چهارم و پنجم

کتاب هم ادامه دارد؛ جایی که الدن

استراتژی فضانمند دولت آمریکا و

متحدانش در حمله به عراق و تأکید

بر حفظ تمامیت ارضی در جنگ

علیه تروریسم را بررسی می‌کند. در

این‌فصول، السدن مهم‌ترین بخش